



نویسندگان عهد امپراتوری غوری‌ها

غلام رسول مبین

دپارتمنت فارسی‌دری، دانشکده‌ی زبان و ادبیات، پوهنتون کابل، ولایت غور

rasoolmobin@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0007-2680-6992>

نویسنده

نشانی برق

نشانی ارکاید

پوهاند فضل الحق فضل

دپارتمنت فارسی‌دری، دانشکده‌ی زبان و ادبیات، پوهنتون کابل، ولایت کابل

Fazelhaqu.fazel@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0001-1109-9312>

نویسنده

نشانی برق

نشانی ارکاید

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی نویسندگان عهد امپراتوری غوری‌ها بر بنیاد اطلاعات مندرج در طبقات ناصری می‌پردازد. مسأله‌ی اصلی تحقیق، شناسایی نویسندگان این دوره و تبیین جایگاه و نقش آنان در حیات فرهنگی و ادبی عصر غوری‌ها است. اهمیت این موضوع از آن‌روست که شناخت نویسندگان و آثار ایشان می‌تواند در روشن‌سازی بخشی از تاریخ فرهنگی و ادبی این دوره مؤثر باشد. این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس مطالعات کتاب‌خانه‌های انجام شده و داده‌های آن عمدتاً از طبقات ناصری گردآوری و تحلیل گردیده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در عهد غوری‌ها؛ نویسندگان، مورخان، منشیان و دبیران متعددی در عرصه‌های علمی، ادبی و اداری فعالیت داشته‌اند و در گسترش فرهنگ مکتوب و تداوم سنت‌های علمی و ادبی نقش مهمی ایفا کرده‌اند. هم‌چنین بررسی داده‌ها حاکی از آن است که حمایت حاکمان غوری از اهل قلم، زمینه‌ی رشد نویسندگی و تولید آثار ارزشمند را فراهم ساخته بود. نتیجه‌ی تحقیق بیان‌گر آن است که نویسندگان عهد غوری‌ها از عوامل مهم شکوفایی فرهنگی این دوره به شمار می‌روند و طبقات ناصری یکی از مهم‌ترین منابع برای شناخت جایگاه و فعالیت‌های آنان محسوب می‌شود.

کلید واژه‌ها: طبقات ناصری، علاالدین غوری، غور، غوری‌ها، منهاج سراج جوزجانی.

Writers of the Ghurid Empire

Author
Email
Orcid

Ghulam Rasool Mobin

Department of Persian/Dair, Faculty of Language and Literature, University of Kabul
rasoolmobin@gmail.com
<https://orcid.org/0009-0007-2680-6992>

Author
Email
Orcid

Fazlulhaq Fazl

Department of Persian/Dair, Faculty Language and Literature, University of Kabul
Fazelhaqu.fazel@gmail.com
<https://orcid.org/0009-0001-1109-9312>

Abstract

This study examines the writers of the Ghurid Empire based on the information recorded in *Ṭabaqāt-i Nāṣirī*. The principal research problem is to identify the writers of this period and to explain their position and contribution to the cultural and literary life of the Ghurid era. The significance of this topic lies in the fact that identifying these authors and their works contributes to a clearer understanding of an important aspect of the cultural and literary history of the Ghurid period. The study employs a descriptive-analytical research method based on library research, with its data primarily collected and analyzed from *Ṭabaqāt-i Nāṣirī*. The findings reveal that during the Ghurid period, numerous writers, historians, secretaries, and scribes were actively engaged in scholarly, literary, and administrative fields, playing a significant role in the development of written culture and the continuity of intellectual and literary traditions. The analysis further demonstrates that the patronage extended by the Ghurid rulers to scholars and men of letters created favorable conditions for the flourishing of authorship and the production of valuable literary works. The study concludes that the writers of the Ghurid era were among the principal contributors to the cultural prosperity of this period, and that *Ṭabaqāt-i Nāṣirī* remains one of the most important primary sources for understanding their status and activities.

Keywords: *Ṭabaqāt-i Nāṣirī*, 'Alā' al-Dīn Ghūrī, Ghor, Ghurids, Minhāj al-Sirāj Jūzjānī.

مقدمه

الْحَمْدُ لِلّٰهِ نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِيْنُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَتَوْمُنٌ بِهِ وَتَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ، وَنَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ، وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

غوری‌ها یک دودمان سیاسی- نظامی از نیمه‌ی سده‌ی ششم تا اوایل سده‌ی هفتم هجری قمری (۵۴۴- ۶۱۲ ه.ق. - ۱۱۴۸ - ۱۶- ۱۲۱۵ م.) دارای پایگاه و جایگاه بلند قدرت و سیاست در سطح منطقه بودند که نویسندگان زیادی در آن روزگار از پشتیبانی و حمایت سلاطین و بزرگان غور برخوردار بوده و به درگاه شان تعلق داشته‌اند. در این تحقیق سعی ورزیده‌ام تا نویسنده‌های شهیر این دوره را بگونه‌ی درست شناسایی و نمونه‌ی کلام منظوم یا منثور و تالیفات بجامانده ایشان را یادآور شوم. تحقیق کنونی ازین بابت دارای ارزش است که تحقیقات ادبی پیرامون عنوان متذکره در سطح کشور بسیار اندک است؛ بنابراین لازم می‌دانم که این موضوع را بگونه‌ی عمیق و دقیق مورد مذاقه قرار دهم. هدف اصلی این تحقیق، بازیابی و برجسته‌سازی نویسندگان مطرح این دوره می‌باشد که تا حال راجع به آن کدام مقاله‌ی مشخص تحقیقی انجام نشده است، و اگر هم شده است کم و اندک می‌باشد.

تبیین مسأله

دور حاکمیت غوری‌ها یکی از مقاطع مهم در تاریخ سیاسی و فرهنگی سرزمین‌های خراسان قدیم محسوب می‌شود، این دوره با وجود تمرکز عمده بر فتوحات نظامی و گسترش قلمرو تا شبه قاره هند، از لحاظ فرهنگی و ادبی نیز دارای اهمیت ویژه‌ی بوده است. در این زمان زبان فارسی دری به عنوان زبان رسمی دیوانی و ادبی تثبیت شد و زمینه رشد و گسترش آثار ادبی فراهم گردید.

با این حال بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که توجه محققان بیش‌تر به جنبه‌های سیاسی و نظامی این دوره معطوف بوده و نقش نویسندگان و اهل قلم در این عصر کمتر به صورت مستقل و نظاممند مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته است، این در حالی است که هر نظام سیاسی برای تثبیت مشروعیت و گسترش نفوذ فرهنگی خود، نیازمند حمایت از ادبیات و تولیدات فکری بوده و این مسئله در مورد غوری‌ها نیز قابل طرح است.

از سوی دیگر ابهاماتی در مورد میزان حمایت سلاطین غوری از اهل ادب، ساختار فرهنگی دربار، و نقش واقعی نویسندگان در جامعه آن زمان وجود دارد. مشخص نیست که آیا دربار غوری‌ها هم‌مانند برخی حکومت‌های پیشین و پسین به عنوان یک مرکز فعال فرهنگی و ادبی عمل می‌کرده یا فعالیت‌های ادبی بیش‌تر به صورت محدود و پراکنده بوده است. هم‌چنان این پرسش مطرح می‌شود که آثار ادبی تولید شده در این دوره تا چه حد بازتاب دهنده شرایط اجتماعی، سیاسی و دینی آن زمان بوده‌اند. هم‌چنان عدم شناسایی دقیق چهره‌های ادبی این دوره و تحلیل ناکافی آثار

آنان سبب شده است که سهم واقعی دوره غوری‌ها در تداوم و تکامل ادبیات فارسی دری به درستی روشن نگردد. در حالی که این دوره می‌تواند حلقه مهمی میان شگوفایی ادبی عصر غزنوی و دوره‌های بعدی مانند سلجوقی و تیموری محسوب شود.

بنابراین مسئله اصلی این تحقیق، بررسی جایگاه نویسندگان در دوره غوری‌ها، تحلیل نقش آنان در ساختار فرهنگی جامعه، و ارزیابی میزان تأثیرگذاری شان بر رشد و گسترش ادبیات فارسی دری است. این تحقیق تلاش می‌کند تا با رویکرد تحلیلی-توصیفی، خلاهای موجود در این زمینه را بر طرف نموده و تصویری روشن‌تری از وضعیت فرهنگی و ادبی این دوره ارائه دهد.

اهمیت تحقیق

بررسی وضعیت نویسندگان و اهل ادب در دوره غوری‌ها از جهات گوناگون دارای اهمیت علمی و تحقیقی است. این دوره به عنوان یکی از مراحل مهم در تاریخ تحولات سیاسی و فرهنگی خراسان نقش قابل توجهی در تداوم و گسترش زبان و ادبیات فارسی دری داشته است، با این حال بعد فرهنگی و ادبی آن در مقایسه با جنبه‌های سیاسی و نظامی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

اهمیت این تحقیق در آن است که می‌تواند با تمرکز بر نویسندگان این عصر، تصویر روشن‌تری از وضعیت فرهنگی جامعه غوری ارائه دهد و نشان دهد که چگونه ادبیات به عنوان یک ابزار فرهنگی، در کنار تحولات سیاسی نقش‌آفرینی کرده است. هم‌چنین این تحقیق به شناسایی و معرفی چهره‌های ادبی کمتر شناخته شده این دوره کمک نموده و سهم آنان را در رشد و تداوم ادبیات فارسی دری برجسته می‌سازد. از سوی دیگر، این تحقیق می‌تواند به درک بهتر رابطه میان قدرت سیاسی و تولیدات ادبی کمک کند، به ویژه این که بررسی میزان حمایت دربار غوری‌ها از اهل قلم، می‌تواند نشان دهنده جایگاه فرهنگ در ساختار حکومتی آن زمان باشد. علاوه بر این تحلیل آثار ادبی این دوره زمینه را برای شناخت بهتر شرایط اجتماعی، دینی و فکری جامعه آن عصر فراهم می‌سازد. در نهایت، این تحقیق با پر کردن خلاهای موجود در مطالعات تاریخی-ادبی می‌تواند به عنوان منبعی معتبر برای تحقیقات بعدی مورد استفاده قرار گیرد و در تقویت هویت فرهنگی و تاریخی جامعه نقش موثری ایفا نماید.

پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی: جایگاه و نقش نویسندگان در دوره غوری‌ها چه بوده و چه تأثیری بر رشد ادبیات فارسی دری داشته‌اند؟

پرسش‌های فرعی

۱. مهم‌ترین نویسندگان عصر غوری‌ها چه کسانی بوده‌اند؟
۲. دربار غوری‌ها چه نقشی در حمایت از ادبیات داشته است؟

۳. چه عوامل سیاسی و اجتماعی بر رشد ادبیات در این دوره تأثیر گذاشته اند؟
۴. آثار ادبی این دوره چه ویژگی‌های داشته است؟

اهداف تحقیق

هدف اصلی: بررسی جایگاه، نقش و تأثیر نویسندگان در دوره غوری‌ها و سهم آنان در رشد ادبیات فارسی دری.

اهداف فرعی

۱. شناسایی نویسندگان برجسته عصر غوری‌ها؛
۲. بررسی وضعیت فرهنگی و ادبی دربار غوری‌ها؛
۳. تحلیل آثار ادبی تولید شده در این دوره؛
۴. بررسی میزان حمایت حاکمان غوری از اهل ادب؛

پیشینه‌ی تحقیق

در زمینه بررسی وضعیت نویسندگان و اهل ادب در دوره غوری‌ها، تحقیقات مستقل و منسجم نسبتاً محدود است و بیش‌تر پژوهش‌ها به صورت پراکنده در آثار تاریخی و ادبی به این موضوع پرداخته اند از جمله: یگانه اثر مهم و ارزشمند تاریخی که پیرامون تاریخ غوری‌ها و سلسله‌ی این دودمان بحث‌های گسترده و مفصل کرده است، تاریخ طبقات ناصری متعلق به قاضی منهاج سراج جوزجانی می‌باشد که توسط پوهاند عبدالحی حبیبی در سال‌های ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳ در دو جلد تصحیح، تحشیه و تعلیقات در آن نوشته و به چاپ رسیده است. مجمع النوار معروف به چهار مقاله اثر نظامی عروضی سمرقندی، کتاب دیگر است که در دربار غوری‌ها نوشته شده و این کتاب توسط استادان و محققان چندین مرتبه طبع و نشر شده است.

کتاب غوریان اثری از عتیق الله پژواک ضمن بررسی و تحولات سیاسی دوره غوری‌ها، اشاراتی به وضعیت فرهنگی و نقش زبان فارسی دری دارد، با این حال تمرکز اصلی این اثر بر تاریخ سیاسی است و به صورت تخصصی به بررسی نویسندگان پرداخته است.

پیرامون جغرافیا و مردم غور از مسالک و الممالک اصطخری، حدود العالم من حیث کهن‌ترین منابع مکتوب سود جست‌ام.

به طور کلی می‌توان گفت که در مطالعات پیشین بیش‌تر تأکید بر جنبه‌های سیاسی، نظامی و فتوحات غوری‌ها بوده و بعد فرهنگی و ادبی به ویژه بررسی نظامند نویسندگان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بنابر این خلا اساسی در تحقیقات موجود، نبود یک تحقیق جامع و تحلیلی درباره جایگاه، نقش و تأثیر نویسندگان در دوره غوری‌ها است. یکی از ویژگی‌های این تحقیق این است

که نویسندگان دربار غوری‌ها را با ذکر آثار شان ذکر کرده است، و نمونه‌ی کلام از ایشان نیز درج این مقاله شده است.

روش تحقیق

این تحقیق از نوع کیفی بوده و با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌یی و اسنادی انجام شده است. داده‌های تحقیق از طریق بررسی متون معتبر تاریخی و ادبی مربوط به عهد امپراتوری غوری‌ها گردآوری گردیده است. منابع اصلی این تحقیق شامل آثار تاریخی معتبر مانند طبقات ناصری تألیف منهاج السراج جوزجانی، و نیز تذکره‌ها، کتب تراجم، دیوان‌های شعرا، و پژوهش‌های معاصر درباره تاریخ و ادب دوره غوری‌ها می‌باشد. در این تحقیق، پس از گردآوری اطلاعات، داده‌ها بر اساس معیارهای زیر تحلیل شده‌اند:

شناسایی چهره‌های علمی، ادبی و فرهنگی مرتبط با دربار و قلمرو غوری‌ها.

تحلیل جایگاه علمی و ادبی آنان در بستر تاریخی قرن ششم و هفتم هجری.

بررسی نوع آثار تولیدشده (تاریخی، ادبی، فقهی، فلسفی و...).

تبیین نقش حمایت‌های سیاسی و درباری غوری‌ها در رشد فرهنگ و ادب.

روش تحلیل داده‌ها به صورت تحلیل محتوا^۱ و با مقایسه گزارش‌های تاریخی و ادبی انجام گرفته است.

نتایج و یافته‌ها

پیش از آنکه به اصل مطلب پرداخته شود، لازم دانستم که جایگاه تاریخی و جغرافیایی غور را از منابع کهن تاریخی به گونه اجمالی به معرفی بگیرم تا پیوند بین تاریخ و سیاست و جغرافیا و شخصیت‌های مطرح دربار غوری‌ها ایجاد شود. چه جغرافیا است که باعث ایجاد تاریخ می‌گردد و این مورخین هستند که تاریخ را برای ابنای بشر به یادگار می‌گذارند. و غور ناحیتی بسیار است، و در جمله مسلمانان یاد کردیم به حکم آن کی در غور مسلمانان بسیار باشند. و کوهستانی آبادان است و استوار. و رودها و چشمه‌ها و باغها و بوستانها بسیار دارد. و حدود غور از هری در گیرد تا قره و تا زمین داور و تا رباط کروان از اعمال (بن) فریغون و تا حدود غرجستان، و هم چنین تا به هری باز گردد". (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۱۴). غور ناحیتیست اندر میان کوه‌ها و شکستگی‌ها و او را باذشاهیست کی غورشاه خوانند، او را قوتش از میر کوزکانانست و اندر قدیم این ناحیت غور همه کافران بوذندی، اکنون بیش تر مسلمانانند و ایشان را شهرک‌ها و ده‌ها بسیار است و ازین ناحیت

^۱. Content Analysis.

برده و زره و جوشن و سلاح‌های نیکو افتد و مردمانش بدخو اند و ناسازند و جاهل و مردمان سبیزند و اسمر ..

ابوعمر عثمان بن محمد المنهاج السراج بن سراج الدین محمد بن منهج الدین عثمان از خطه جوزجان است. پدر و پدرکلانش از رجال برجسته دربار فیروزکوه و غور بود. او در سال ۵۸۹ در غور تولد شده و تا بیست و دو سالگی در غور می‌بوده است. در سال ۶۲۵ به هند رفت و در کالیور به دربار سلطان التمش پیوست و به قضا و امامت و خطابت و احتساب و کل امور شرعی آن‌جا مقرر شد. بعد به دهلی رفت و مدیر مدرسه ناصریه مقرر شد. در عهد سلطنت بهرام شاه به ریاست قضای کل هند انتساب گردید. پس از مرگ بهرام شاه به لکنهوتی رفت و دو سال در آن‌جا مقام کرد. بعد در عصر سلطان ناصرالدین محمد بن شمس الدین التمش دوباره به مقام قضای هند رسید و لقب صدر جهان یافت و ناصری نامه منظوم را به نام او نوشت و تاریخ طبقات ناصری را نیز به نام همان پادشاه کرد. مولانا تا تاریخ انجام کتاب خویش (طبقات ناصری) در ربیع الاول ۶۵۸ در دهلی به حشمت و شوکت می‌زیست. تاریخ وفاتش را در سال ۶۷۳ در دهلی نوشته‌اند. مولانا طبقات ناصری را در سال ۶۵۵ هجری آغاز و در سال ۶۵۸ به اختتام رسانیده است. (طغیان ساکایی، ۱۳۹۷: ۱۰۷) از ناصری نامه منهج سراج فعلاً اطلاعی نداریم و معلوم نیست که موجود باشد اما طبقات ناصری او که از کتاب‌های مهم تاریخ به زبان فارسی و یکی از منابع‌های بسیار مفید و پرازش درباره آخرهای عهد غزنوی و دوره پادشاهان غوری و حوادث آغاز عهد مغول است در دست است. این کتاب حاوی ۲۳ قسمت و هر قسمت آن خاص طبقه‌ی است. نثر آن روان و استوار و بیانش متضمن فایده‌های بی‌شمار است. (صفا، ۱۳۸۸: ۲۰۲). تمدن و فرهنگ عهد غوریان ادامه تمدن و فرهنگ عصر غزنویان شمرده می‌شود. چنان‌که پادشاهان غوری مانند شاهان غزنوی اغلب افراد عالم و دانشور بودند و از فرهنگ جامعه، دانشمندان، هنرمندان، شاعران و ادبیات حمایت می‌نمودند. آنان این امر را یکی از لزومات و علل شکوه و ماندگاری دربارهای مربوط خویش بر می‌شمردند. اما آن طوری که شاهان غزنوی در دیانت و اعتقادات شان تعصب داشتند، شاهان غوری چنان نبوده‌اند. بل که در دربار آنان دانشمندان و اشخاص دانشوری از تمام فرقه‌های مذهبی و نحله‌های فکر جامعه حضور داشتند و حتی سلطان علاءالدین حسین غوری در حین فرمانروایی خود مبلغان اسماعیلی «الموت» و «قهستان» را که فعالیت‌های ضداجنبی را در سر می‌پروردانیدند به حضور طلبیده و حق تبلیغ و اقامت دایمی را در شهر غور برای آنان تأمین نموده بود که بعد از وفات وی این امر به وسیله فرزندش و سایر پادشاهان غوری متوقف و منتهی شد. در عصر غوریان فرهنگ اسلامی و زبان و ادب فارسی رشد و انکشاف زیاد نمود و تا شهر دهلی و میدان‌های شمالی هند نفوذ کرد و مدنیت جدید به نام (خراسان - هند) به وجود آمد. در

خراسان عهد غوریان دانشمندان، ادبا و شعرای بزرگ و ناموری ظهور نمودند. امام فخرالدین رازی، نظامی عروضی سمرقندی، احمد میدانی، قاضی منهاج الدین سراج جوزجانی، وحیدالدین شافعی مروودی، ابو نصر فراهی، محمد عوفی، قطب الدین بختیار، ملک الکلام فخرالدین مبارک شاه، نصیرالدین هروی، شیخ الاسلام جلال الدین ورساد و عده‌ی فراوانی دیگر آثار ارزشمندی را در زمینه‌های گوناگون علمی، ادبی، دینی و فرهنگی پدید آوردند و فرهنگ ملی را قوام بخشیدند که متأسفانه برخی ازین آثار معنوی و مادی آنان در اثر صاعقه چنگیز تلف شده و از میان رفت. (حصاریان، ۱۳۹۹: ۲۵۲-۲۵۳) از مفسران بزرگ این عهد می‌توان از ابو عبدالله محمد بن عمر طبرستانی ملقب به امام فخرالدین رازی یاد کرد. او که به مذهب شافعی بود به لقب «امام المشککین» شهرت داشت. تفسیر معروف او «تفسیر کبیر» یا «مفتاح الغیب» نام دارد که در شمار تفاسیر بزرگ عقلی شمرده می‌شود. امام آثار متعدد در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی نگاشته است. اوهم‌چنان دو رساله فارسی در اصول عقاید اهل سنت، اسرارالنجوم، شرح اسماءالحسنی را تالیف کرده و «لطایف غیاثیه» را به نام سلطان غیاث الدین غوری نوشته است و شرح نهج البلاغه، کتاب جامع العلوم مشهور به «ستینی» او که از مبانی شخصت علم مروج آن عهد بحث می‌کند از تالیفات مهم وی شناخته می‌شود. همین گونه امام رساله «بهاییه» را به نام بهالدین سام غوری بامیانی تالیف کرده است. (همان، ۲۵۹)

غوریان امرای هستند که از قدیم در نواحی صعب غور واقع در کوهستانهای مابین هرات و غزنه امارت داشتند و ملوک شنسبانیه یا آل شنسب مشهور بودند. و به دو شعبه اصلی منقسم می‌شدند: یکی از آن دو در غور سلطنت می‌کردند و پایتخت آنان شهر فیروزکوه بود و دیگر واقع در شمال غور که پایتخت ایشان بامیان بود و آنانرا غوریه بامیان نیز می‌گفتند. علت اشتها این دو سلسله به آل شنسب. انتساب آنان به شخصی است به نام شنسب که گویند در صدر اسلام میزیست و بر دست حضرت علی "رض" ابن ابی طالب اسلام آورد. یکی از اعقاب شنسب فولاد غوری معاصر ابو مسلم خراسانی بود. که با او در بیرون راندن اعمال بنی امیه از خراسان یاری می‌کرد. روی این منظور او و برادرزاده‌هایش در امارت خود باقی ماندند تا در عهد سبکتگین امارت غور به محمد غوری رسید و او در عین ضبط ممالک غور به اطاعت محمود گردن نهاد ولی گاهی از دادن خراج امتناع نمود. تا عاقبت منکوب و مقهور سلطان شد و سلطان محمود امارت غور را به پسرش ابو علی داد. لیکن او در دوره مسعود مغلوب پسر عم خود عباس بن شیش که مردی فاضل و منجمی ماهر بود شد و از امارت خلع گردید. عباس خود به دست سلطان ابراهیم بن مسعود غزنوی از سلطنت خلع و پسرش محمد جانشین او شد. و بعد از وی حسن بن عباس و علاالدین حسین بن حسن (حسین) به حکومت غور رسید. غوریان زمانیکه دولت مستقل به‌وجود آوردند پنج نفر آنان یکی

بعد دیگری به قدرت رسیدند. اگر تاسیس دولت مستقل (مستقل) غوریان را با شروع سلطنت علاالدین آغاز کنیم مدت حکمرانی ایشان به (۶۸) سال میرسد. (۵۴۴ - ۶۱۲ هجری - ۱۱۴۸ - ۱۲۱۵ میلادی) در این مدت غوریان توانستند امپراتوری بزرگ را در افغانستان و هند بنیاد گذارند.

در این دوره توجه سلاطین به علم و دانش نمایان است. دانشمندان متعددی در دربار ایشان زندگی می‌کردند و از ایشان صله دریافت می‌نمودند. عده معدودی از مورخان در این دوره موود (موجود) بود که ذیلاً به بررسی احوال شان می‌پردازیم.

(۱) منهاج السراج جوزجانی: قاضی ابو عمر منهاج عثمان بن سراج الدین الجوزجانی معروف به منهاج سراج در سال (۵۸۹ هجری - ۱۱۹۲ میلادی) در فیروزکوه غور تولد یافت... تألیف موصوف خیلی کم و اضافه از دو کتاب نیست که آنها یکی طبقات ناصری و دیگری ناصری نامه منظوم است. شاید مولف تالیفات دیگری هم داشته که گذشت زمان و روزگار پراشوب آن را از بین برده باشد.

طبقات ناصری: این کتاب در تاریخ عمومی است: از ابتدای خلقت انسان تا سال "۶۵۸ هجری - ۱۲۵۹ میلادی) را در بر دارد. محتویات عمده آن شرح تاریخ سلسله‌های اسلامی سلاطین هند است. حوادث دوره غزنوی و شرح سلطنت مغول که چشم دید مولف بوده در این کتاب به انشای متین و روان بیان شده است. طبقات ناصری به نام ناصرالدین محمود پسر التمش تألیف گردید... (محمود، ۱۳۸۹: ۲۶۹-۲۷۳)

(۲) فخرالدین مبارک شاه: فخرالدین مبارک شاه بن حسین معروف به فخر مدبر در مقدمه کتاب آداب الحرب والشجاعه و بحر الانساب نام او را چنین آورده است: شریف محمد بن منصور بن سعید بن ابوالفرج بن خلیل بن احمد بن ابو نصر بن خلف بن شعیب بن طلحه بن عبدالرحمن بن ابوبکر صدیق "رض" قریشی ملقب به مبارک شاه و معروف به فخر مدبر بنابر آن نام او محمد و نام پدرش منصور است، فخرالدین مبارک شاه بن حسین مروودی از شعرای مشهور دربار سلطان معزالدین و غیاث الدین ابوالفتح غوری بوده و نسب نامه سلاطین غور را از سلطان معزالدین و غیاث الدین پدر بر پدر تا ضحاک ذکر کرده است. نسب نامه سلاطین غور را فخرالدین مبارک شاه به نام سلطان علاالدین غوری (۵۴۵ - ۵۵۶ هجری - ۱۱۵۰ - ۱۱۶۰ میلادی) آغاز کرد و تا هنگام سلطنت غیاث الدین به اسم وی به اتمام رسانیده است.

بحر الانساب: این کتاب از تالیفات مهم مبارک شاه بوده که مورخ آن را به نام سلطان معزالدین محمد بن سام و ملک قطب الدین ایبک تألیف کرده است. این اثر شامل نسب حضرت رسول اکرم "ص". یاران. صحابه. انصار. ملوک عرب. شعرای اهلیت و اسلام. سلاطین عجم. خلفای

بنی امیه. بنی عباس. طاهریان. صفاریان. سامانیان. غزنویان و شاهان غور می‌باشد. که جمعا بر یکصد و سی و شش شجره النسب است. (همان، ۲۷۷-۲۷۹)

۳) احمد بن عمر بن علی نظامی عروضی سمرقندی: ابوالحسن نظام الدین یا نجم الدین احمد بن عمر بن علی سمرقندی معروف به نظامی عروضی از شعرا و نویسندگان قرن ششم است. از ترجمه حال عروضی سمرقندی و تاریخ تولد و سنه وفات وی هیچگونه اطلاعات در دست نیست. از کتاب وی فقط میدانیم که نظامی عروضی از ملازمان و مخصوصان ملوک غوری شنسبانه بوده است. و چهارمقاله را به نام یکی از شهزادگان این سلسله ابوالحسن حسام الدین علی تالیف نموده و به تصریح خود. در وقت تالیف این کتاب چهل و پنج سال داشت که به خدمت گذاری این خاندان قرار داشت.

چهار مقاله: کتاب مجمع النوادر معروف به چهار مقاله با وجود اختصار آن یکی از کتب ادبی و تاریخی بسیار مهم زبان دری است و اهمیت آن از چند نگاه می‌باشد... (همان، ۲۸۰-۲۸۲)

۴) محمد عوفی: سدید الدین یا نورالدین محمد بن محمد عوفی بخاری (وفات: ۶۳۵ هجری - ۱۱۳۷ میلادی) از نویسندگان و دانشمندان بزرگ کشور ما در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری می‌باشد. وی از فرزندان عبدالرحمن بن عوف از مشاهیر صحابه رسول اکرم "ص" می‌باشد و بهمین جهت به عوفی شهرت یافته است. ولادتش در بخارا در نیمه دوم قرن ششم هجری اتفاق افتاده و تحصیلات خود را همانجا انجام داد.

لباب الالباب: تذکره مهمی به زبان دری تالیف محمد عوفی است که آن را در سال (۶۱۷ هجری - ۱۲۲۰ میلادی) به نام عین الملک فخرالدین وزیر ناصرالدین قباچه تالیف کرده است. این کتاب در شرح حال شاعران است از ابتدا تا زمان مولف و مشتمل بر دو جلد است.

جوامع الحکایات و لوامع الروایات: این اثر از معتبرترین کتابهای به زبان دری تالیف یافته می‌باشد. مولف در حدود سال (۶۳۰ هجری - ۱۲۳۲ میلادی) کتاب خود را به نام نظام الملک قوام الدین محمد بن جنیدی وزیر شمس الدین التتمش تالیف و اهدا کرده است. جوامع الحکایات مشتمل بر حکایت‌های ادبی و اشعار و امثله است. در چهار مجلد و در هر مجلد دارای ۲۵ باب. این کتاب از لحاظ منابع تاریخی خیلی باارزش و مهم است. زیرا که عوفی از منابع استفاده کرده که امروز در دست نیست... (همان، ۲۸۴-۲۸۵)

۵) محمد بن منور و کتاب اسرار التوحید: نورالدین محمد بن منور بن ابی سعید میهنی از اخلاف ابو سعید بن ابی الخیر میهنی (ف ۴۴۰ هـ.) صوفی معروف و نامدار خراسان است. او از نویسندگان قرن ششم هجری شمرده می‌شود. وی مولف کتاب اسرارالتوحید فی مقامات شیخ ابوسعید ابوالخیر است که آنرا برحسب اطلاعات خود و روایات در شرح حال، سخنان، و کرامات

جد خویش ابوسعید تالیف کرده است. و به نام ابوالفتح غیاث الدین محمد بن سام غوری (ف ۵۹۹ هـ) تقدیم نموده است. تاریخ تالیف این اثر مسلماً بعد از حمله‌ی غزان یعنی بعد از سال ۵۴۸ هـ به خراسان صورت گرفته است و شاید مولف آن را در سال ۵۷۰ هـ و یا سال‌های قریب به آن به پایان برده باشد... (حصاریان، ۱۳۹۹: ۲۸۷)

۶) امام فخرالدین رازی: فخرالدی محمد بن حسین معروف به بن خطیب رازی از علما، حکما، نویسندگان، شاعران و متکلمان بزرگ جهان اسلام است. او در سال ۵۴۳ هجری (یا ۵۴۴ هجری در شهر «ری» ایران کنونی متولد شده است... (همان، ۲۹۰).

جامع العلوم یا جامع سیتی: این اثر هم به نام «حدایق الانوار فی حقایق الاسرار» معروف است. این کتاب به گونه‌ی دایره‌المعارفی است که در علوم مختلف به زبان فارسی در سال ۵۷۴ هـ تالیف شده است. چون شصت علم را شامل می‌شود آن را «سیتی» گویند. این اثر را امام فخرالدین برحسب اشاره سلطان تکش خوارزمشاه (ف ۵۹۶ هـ) تالیف کرده است... (همان، ۲۹۱-۲۹۲)

رساله‌ی روحیه: که درباره‌ی روح انسان و مراتب (مراتب) آن و فنای جسم نوشته شده و در آن حکمت مرگ و پاره‌یی از پند و نصیحت شامل می‌شود. (همان، ۲۹۲)

الاختیارات العلائیه فی احکام المساویه: موضوع آن را اختیارات نجومی در بر می‌گیرد. امام رازی این اثر را به نام علاالدین خوارزمشاه در دو مقاله نوشته است که بعداً به عربی برگردان شده است. (همان، ۲۹۲)

تعجیز الفلاسفه: در علم فلسفه. (همان، ۲۹۲)

اصول عقاید در هشت باب. (همان، ۲۹۲)

تفسیر کبیر یا مفاتیح الغیب: که از تفاسیر معروف و بزرگ عقلی شمرده می‌شود که امام این تفسیر در ۱۲ مجلد تالیف کرده است. سلطان غیاث الدین غوری و سلطان معزالدین ملقب به شهاب الدین که هر دو از برادران و شاهان بزرگ غوری بودند به امام فخرالدین رازی، احترام فوق العاده و بی‌نهایت داشتند چنانچه سلطان غیاث الدین مدرسه‌ی بزرگی برای وعظ و تدریس امام در جوار مسجد جامع هرات اساس نهاده بود که او در آن مدرسه به تدریس طالبان و ارشاد مردم مشغول بود و از این لحاظ به هرات «کعبه ثانی» می‌گفتند و هم از جانب سلطان غیاث الدین غوری به امام فخرالدین رازی لقب «شیخ الاسلامی» داده شده بود. (همان، ۲۹۲-۲۹۳)

بنابر نوشته‌ی منهای سراج جوزجانی امام صدرالدین ساکن و مدرس مدرسه‌ی شهر افشین غرجهستان بود که در عهد سلطان غیاث الدین غوری می‌زیست. چنانچه در مبحث مذهب سلطان مذکور قبلاً متذکر شدیم چون سلطان غوری مذهب شافعی اختیار نمود امام صدرالدین قطعه‌ی شعری سرود و سلطان را در آن نقل اعتراض کرد و آن قطعه چون به سلطان رسید، خاطر مبارکش از وی غبار

گرفت و امام صدرالدین را مجال مقام نماند در ممالک غور و آن قطعه چنانچه صاحب (طبقات) ناصری نقل می‌کند،... (پژواک، ۱۳۴۵: ۲۷۳)

تحقیق حاضر با هدف شناسایی و بررسی جایگاه نویسندگان عهد امپراتوری غوری‌ها بر بنیاد اطلاعات مندرج در طبقات ناصری انجام شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که عصر غوری‌ها تنها دوره‌ای از اقتدار سیاسی و نظامی نبود، بل که از منظر فرهنگی و ادبی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. بررسی داده‌های تحقیق آشکار ساخت که در این دوره، گروهی از نویسندگان، مورخان، دبیران و منشیان در عرصه‌های مختلف علمی، ادبی و اداری فعالیت داشتند و در شکل‌گیری و گسترش فرهنگ مکتوب سهم بسزایی ایفا کردند.

پاسخ به پرسش نخست تحقیق نشان می‌دهد که نویسندگانی چون منهاج سراج جوزجانی، محمد عوفی، فخرالدین مبارکشاه و شماری دیگر از اهل قلم، از برجسته‌ترین چهره‌های نویسندگی این عصر به شمار می‌رفتند. آثار و فعالیت‌های آنان بیانگر رونق دانش، ادب و تاریخ‌نگاری در قلمرو غوریان است. هم‌چنین در پاسخ به پرسش دوم تحقیق، نتایج حاکی از آن است که این نویسندگان افزون بر ثبت رویدادهای تاریخی و انتقال دانش، در تحکیم سنت‌های ادبی، توسعه‌ی فرهنگ دیوانی و گسترش زبان فارسی نقش مؤثری داشته‌اند. بررسی شواهد موجود در طبقات ناصریهم چنین نشان می‌دهد که حمایت و توجه فرمانروایان غوری به دانشمندان و اهل قلم، زمینه‌ی مناسبی برای رشد نویسندگی و پدید آمدن آثار ارزشمند فراهم ساخته بود. از این رو، شکوفایی فرهنگی این دوره را نمی‌توان جدا از نقش نویسندگان و تولیدات فکری آنان ارزیابی کرد.

در مجموع، نتایج این تحقیق بیانگر آن است که نویسندگان عهد غوری‌ها از مهم‌ترین عوامل بویایی فرهنگی و ادبی این دوره بوده‌اند و طبقات ناصری به‌عنوان یکی از معتبرترین منابع تاریخی، اطلاعات ارزشمندی درباره‌ی زندگی، فعالیت‌ها و جایگاه آنان در اختیار محققان قرار می‌دهد. از این رو، مطالعه‌ی نویسندگان عصر غوری‌ها می‌تواند به شناخت عمیق‌تر تاریخ فرهنگی، ادبی و تمدنی افغانستان و حوزه‌ی تمدن فارسی‌زبان یاری رساند.

نتیجه‌گیری

بحث و نگارش پیرامون نویسندگان امپراتوری غوری‌ها بسیار مهم و گسترده است. آنچه درین تحقیق آورده شده است، نتیجه‌ی تتبعات است که از منابع قابل دسترس و موجود استفاده شده است. تاریخ طبقات ناصری یکی از منابع مرجع درین تحقیق به شمار می‌رود و متعاقباً مجمع النوادر مشهور به چهار مقاله تالیف نظامی عروضی سمرقندی که نیز هم‌زمان و هم‌دوره طبقات ناصری بوده است از جمله منابع مهم دیگر است که درین مقاله از آن سود جستیم. به تعقیب آن نوشته‌ها و مقاله‌های اساتید گرامی در منابع مختلف درین مقاله مفید و موثر تمام شده‌اند.

عدم تحقیق به گونه‌ی مشخص راجع به نویسندگان دربار امپراتوری غوری‌ها یکی از خلاهای است که آرزودارم در آینده توسط محققان و استادان پوهنتون‌ها و دیگر نهادهای اکادمیک مورد توجه و تبیع صورت گیرد.

بررسی نویسندگان عهد غوری‌ها نشان می‌دهد که این دوره را می‌توان یکی از نقاط عطف تاریخ فرهنگی و ادبی سرزمین‌های شرقی جهان اسلام دانست. امپراتوری غوری‌ها نه تنها یک قدرت سیاسی، بل که یک حامی جدی فرهنگ، علم و ادب بوده است.

حمایت‌های درباری، امنیت نسبی سیاسی، و جایگاه زبان فارسی دری، شرایطی را فراهم آورد که در آن اندیشمندان و ادیبان توانستند آثار ماندگاری خلق نمایند. ثبت دقیق این چهره‌ها در منابعی چون طبقات ناصری، اهمیت این عصر را برای تاریخ‌نگاری و مطالعات ادبی دو چندان ساخته است.

در نتیجه، می‌توان گفت که شکوفایی فرهنگی عهد غوری‌ها تصادفی نبوده، بل که حاصل سیاست فرهنگی آگاهانه، حمایت هدفمند از اهل علم، و بستر اجتماعی-سیاسی مناسب بوده است؛ امری که این دوره را شایسته توجه ویژه در مطالعات تاریخ ادبیات فارسی می‌سازد.

پیشنهاده‌ها

با توجه به یافته‌های تحقیق درباره «نویسندگان عهد امپراتوری غوری‌ها»، پیشنهادهای زیر برای توسعه پژوهش‌های آینده و نیز بهره‌برداری علمی-فرهنگی از این میراث ارائه می‌شود:

۱. بر پایه گزارش‌های منهاج السراج جوزجانی و سایر منابع، یک تذکره تخصصی و مستقل درباره علما، شعرا و نویسندگان این عصر تألیف شود.
۲. پیوند دادن یافته‌های ادبی با داده‌های تاریخی، باستان‌شناسی و هنر اسلامی (معماری و کتیبه‌ها) برای درک جامع‌تر از بستر فرهنگی این دوره.
۳. ایجاد آرشیف دیجیتال از نسخه‌های خطی مربوط به این عصر در کتابخانه‌های افغانستان، هند، تاجیکستان، پاکستان و ایران، برای دسترسی محققان.
۴. پوهنتون‌ها و مراکز تحقیقاتی سمینارها و کنفرانس‌هایی ویژه «عصر فرهنگی غوری‌ها» برگزار نمایند تا این دوره بیش از پیش در کانون توجه پژوهش‌های ادبی قرار گیرد.
۵. پیشنهاد می‌شود در نصاب درسی رشته زبان و ادبیات فارسی، مبحث مستقل و مفصل‌تری به سهم غوری‌ها در شکوفایی ادب فارسی اختصاص یابد.
۶. مقایسه وضعیت فرهنگی عهد غوری‌ها با دوره‌های هم‌زمان مانند غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان برای روشن‌تر شدن جایگاه واقعی این عصر در تاریخ ادب فارسی.

۷. انجام تحقیقات مستقل درباره موضوعاتی چون «سبک شعری شاعران عهد غوری»، «نقش دربار در تولید علم»، «گسترش زبان فارسی به هند در عصر غوری».
۸. طراحی یک پایگاه داده شامل اطلاعات زندگینامه‌یی، آثار و حوزه فعالیت دانشمندان و ادیبان این دوره برای استفاده محققان.

منابع

- اصطخری، ابواسحق ابراهیم بن محمد. (۱۳۶۸). مسالک و ممالک. به اهتمام: ایرج افشار. چاپ: تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی. چاپ سوم، ۱۳۶۸.
- پژواک، عتیق الله. (۱۳۴۵)، غوریان، کابل: انجمن تاریخ افغانستان، مطبعه دولتی و دپوهنی مطبعه. حصاریان، سید اکرام الدین. (۱۳۹۹). ادبیات فارسی دری در قرن های پنجم و ششم. کابل: انتشارات امیری، چاپ سوم.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. زیر نظر دکتر محمد معین. تهران: سازمان لغت نامه.
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۸۸). تاریخ ادبیات ایران (جلد دوم) (خلاصه جلد سوم: بخش اول-دوم). تلخیص: دکتر سید محمد ترابی. ایران: تهران، انتشارات فردوس، چاپ نوزدهم.
- طغیان ساکایی، محمد یونس. (۱۳۹۷). متون تاریخی در زبان فارسی دری. کابل: عازم.
- عروضی سمرقندی، احمد بن عمر بن علی نظامی. (۱۳۸۸). مجمع النوادر معروف به چهار مقاله. به تصحیح محمد قزوینی. به کوشش: دکتر محمد معین تهران: انتشارات زوار، چاپ اول.
- قاضی منهج سراج جوزجانی، منهج الدین. (۱۳۹۱). طبقات ناصری. کابل: بنیاد فرهنگی جهانداران غوری.
- قاضی منهج سراج جوزجانی، منهج الدین. (۱۳۸۹). طبقات ناصری. به تصحیح و مقابله و تحشیه و تعلیق: عبدالحی حبیبی. تهران: انتشارات اساطیر.
- محمود، شاه محمود. (۱۳۸۸). تاریخ امپراتوری غوریان. به اهتمام و کوشش: غلام سعید زلمی. کابل: موسسه انتشارات خاور، چاپ دوم.
- محمود، شاه محمود. (۲۰۱۶، اپریل ۲۳)، چاپ‌های طبقات ناصری. وبسایت

